

شناخت دشمن اصلی-آمریکا.  
مهترین ویژگی خط امام

هر بار که نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب می‌کوشند دشمن اصلی را از زیر ضربه خارج کنند، امام خمینی تاکید می‌کند: «آمریکا دشمن شماره‌یک مردم محروم و مستضعف جهان است»

٤٤

آمریکاست  
این سخنان حیات بخش رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران از تصریحه حدائق یک ربع قرن چنایت و غارت آمریکا، این سرکرد راهنمای بین المللی و این ام الفساد قرن سرچشمه می‌گیرد.  
شناخت دشمن اصلی خلقوای پیغام در صفحه A

نخست که امام خمینی از نجف  
با یامهای خویش به پسیح خلق  
پرداخت، چون آنتاب درخشناد  
کر مایخش بود.

امام خمینی از آن پس، با درک  
عیق ضرورت آگاه‌سازی و پسیح  
توده‌ها، در هر فرست اعلام کرد  
که، دشمن اصلی مردم ما  
امپریالیسم خونخوار آمریکاست.  
اگرکن دیگر این سخنان امام

دشمن اصلی ایران کیست؟  
ن کدام دیو و دد آدمی خوار  
ست که پنجھے خونین تین گرده تا  
ک حیات انقلاب ایران را  
رد؟  
امام خمینی، یاکبار دیگر در  
خوبیده زارین بیت الله العرام،  
این پرسش گرفت که  
رسوشت انقلاب و جمهوری  
سلام، ام ان به آن ستد است،

ارگان مرکزی خرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۵  
چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، بهای ۱۵ ریال

چریکها - با پای لنگ به دنبال  
مار گسیسم

چریک‌های اکثریت با حزب توده ایران مبارزه نمی‌کنند، دهنگجهی  
می‌کنند. و این عادت دوران کودکی است. سه سال

صفحات ۳ و ۴

ژنرال ضیاء الحق به هم قطاران  
امریکائی خود در ترکیه  
تهذیت میگوید!

علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و امیت و استقلال کشورهای مستقل می در منطقه، پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار جمهوری اسلامی در ایران، پاکستان به سریل تجاوز و مرگ فعالیتهای نیروهای ضدانقلاب علیه افغانستان و جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردید. تمام توطئه ها و سازماندهی نیروهای ضدانقلاب افغانی و اعزام گروههای تحریریستی به افغانستان در خلاف پاکستان افهام گرفته و هنوز نم آدامه دارد. رژیم سرسپرده ضمایع الحق در تمام توطئه هاییکه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از جانب آمریکا طرح ریزی شده و از جمله در طرح تجاوز نظامی نافر جام در عملیات طبس مستقیماش کرت داشته و اکنون به کانون اجرای طرح جدید توطئه امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، کفرمینه اجرای آن از جمله در بلوچستان آماده نیشود، تبدیل شده است، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، رژیم دست نشانده ضمایع حق، طبق نقشه طرح شده از

رزیم دست‌نشانده دیکتاتوری نظامی ضایعه‌الحق در پاکستان کوکوتای نظامی امریکائی ذرف الیاچ تر کیه را اقدامی در سمت تقویت مواضع آمریکا و در تیغه‌تفویت مواضع متزلزل خود در پاکستان تلقی میکند. ضیاء الحق در تلکرا تپیت امین خود به ژنرال گنجعلی اورن، سر کوکوت ذرف الیاچ کوکوت‌اگر تر کیه، اظهار امیدواری میکند که درزیم دیکتاتوری نظامیان اورن کیه «وظیفه بزرگی را که بعدهد گرفته است با موفقیت انجام دهد».

این دولتیفبزرگ که ضیاء...

الحق اجرای موقفيت آمیز آنس برای مقطاران خود در ترکی آرزو میکند، همان دولتیفای است که خود او در برای امیر الیس امریک بمیشه گرفته و اجرای آن وثیق پیشیانی امریکا از رزیم وی و ابقاء این رزیم دیکتاتوری و ضد خلقی در پاکستان است. این وظیفه عبارتست از تبدیل کشور به پایگاه نظامی امریکا وابسته کردن هرچیزیش اقتصاد کشور به انحصارات امیر الیس و تبدیل کشور به کانون توطنه و تجاوز علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان.

مه مquamات مسئول و عالی رتبه  
کشور در جلسات، سیناریاه،  
محاسبه‌های مطبوعاتی، بیانیه‌ها  
و اطلاعیه‌های رسمی پکرات  
نمذک شده‌اند که، اینکونه  
اعمال خودسرانه چماق‌داران و  
پیچوکشان باعث هنگ حرمت  
جمهوری اسلامی ایران، فاقس  
امنتی قسانی در کشور، مانع  
برقراری نظم و آرامش ضروری  
جهت ختن کردن توطه‌های  
کشته‌ده خصم و نوسازی‌بنیادی  
جامه‌است. مقامات اجرایی دولت  
و نهادهای اقلایی باید جدی تر و  
با احسان مستولیت پیشتر به این  
رهنماهی رهی انقلاب امسام  
خیمی و مقامات مسئول و متعدد  
جمهوری اسلامی ایران پر خورد  
گند، در اجرای دقیق آن بگوشند  
و اجازه ندهند قاعده‌ای عناصر  
غیرمسئول، چماقدار مفترض و یا  
آناگاه، با تکرار پی درپی اینکونه  
خلال کریه‌الانقلاب بزرگ ایران  
را هرج و مرچ جلوه دهن، آبروی  
انقلاب، کشور، مکتب و دهیان  
و مسئولان متعدد و خدمتکزار  
خلق را در مقياس جهانی پرینزد،  
به حیثیت، اختیار و احترام‌اقبی  
بیقه در صفحه ۸

واقعا خواهان استقلال، آزادی، ترقی و بهروزی کشور است (و) اگر بر قاطع مردم بسیار یقین خواهان آنند با هر کوشش و مکتب، با هرجاچه بینی فلسفی و بیپوش سیاسی که باشد، بحکم اقتل سلیمان باید تحکیم و پیشبرده نظام جمهوری اسلامی را وجهه همت خود قرار دهد. البته این امر، بویژه در شرائط قوتوطه گسترش دهنده حیله کار، خون-خوار و توانگری چون امیریالیسم، بسیار کردگی امیریالیسم، آمریکا، و خداحافظی پورده آن، کار آسان نیست. برای اینکه نهادهای انتظامی و ارکانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران، برای اینکه همه مردم زمنده، آگاه و خیرخواه کشور از عهده این وظیفه خطیب خلقی، مبنی و مکتبی برآیند، امنیت قضائی لازم است. بدون امنیت قضائی حفظ نظام اجتماعی ممکن نیست، و بدون حفظ نظام اجتماعی، کار سازانده جبهت دفاع از استقلال و تامیت اراضی کشور، تحکیم جمهوری پیشبرده آن مقصدور نیست. و امنیت قضائی زیر سایه حکومت قانون ممیز است.

امنیت قضایی و حکومت قانون و مطهّرور برای بین‌وزیری بر توطّه‌ی کشته‌دشمن اصلی ما، هم‌پالیس آمریکا و ضدانقلاب ورده آست. امنیت قضایی و حکومت قانون شرط لازم برای ایجاد امنیت اقتصادی و امنیت انسانی است. امنیت قضایی و سازی بین‌ایرانی جامعه به نفع دم مستضعف زحمتکش است. ملاحت عده‌ای جفاقدار و جاقوکش شهرهای بزرگ و کوچک دفاتر احزاب و گروههای یاسائی، کتابفروشیها و غیره شخص امنیت قضایی و برخلاف این جمهوری اسلامی و قبل از بد و پیش از همه قانون انسانی است.

حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای، امام جمیعه تبران، در خطبه نماز عصمه اخیر دهران متذکر شدند: «گاهی ۱۰ نفر، ۱۵ نفر، در دن خیابان، در غلان شمر، در دن شیر کوچک یا بزرگ راه افتند، باعنوانین مختلف به اکری، به کتابفروشیهای حمله کنند. بدانید که این کار طوا و خلاف است. آن کسانی که ن کار را می‌کنند از دو حال چرون نیست: یا مردمانی خیرخواه استند و یا مردمان مغرض. اگر

امنیت قضائی و حکومت قانون شرط ضرور  
پرای پیروزی برو طئه‌های ضد انقلاب است

درباره نامه آقای صادق قطبزاده به مجلس شورای اسلامی ایران برای آزادی «گروگان»‌های جاسوس آمریکائی

八

«وزیر مقتول» افغانی، یک بیمارستان جدید را افتتاح کرد!

چنین مقتضی میگردد، آنرا  
چندی قبل نیز از کشته شدن یاک  
و زیر دیک افغانی خبر داده بودند،  
که سپس خبر مصاحبه او را  
مخابره کردند.  
تازهترین شاهکار این خبر-  
گزاریها، پیش از دسته گل  
فوق الذکر، خبر هجوم صد هزار  
دهقان افغانی به کابل بود، که  
جمعیت کابل را از یک میلیون  
به یک میلیون و پانصد هزار تن  
افزایش داده بودا  
آیا رسانه های گروهی و  
مطوعات ایران باز هم خیرهای  
افغانستان را از خبر گزاریهای  
امیر پالیستی خواهند گرفت؟

افتتاح کرد و سپس سخنرانی مفصل درباره برنامه های بهداشتی دولت انقلابی ایران نمودا رادیوهای غربی، که بنقل از خبر گزاریهای امیریالیستی، داستان جعلی قتل وزیر افغانی را پخش کرده بودند، برای آنکه ازشدت رسوایی بکاهند، بطور مختص سخنرانی نظر محمد را پخش کردن و از قول خبر گزاریها اعلام داشتند که «گزارش منابع مبارزان را باید با اختیاط تلقی کرد!»

این نخستین بار نیست که خبر گزاریهای امیریالیستی این

طبق معمول و - متناسبانه - در رسانه های گروهی کشور ما نیز تمام و کمال آنکه اس یافت، در این داستان، که روزی یک شببه ۲۳ شریور به جهان مخابره شد، گفته می شد که نظر محمد، پسر اه یک وزیر دیگر افغانی، اقتله گذشت از هلیکوپتر خود پائین کشیده شده و سپس بوسیله جوخه اعدام «مبارزان!» تیرباران شده اند.

کفر بین بکنید، ما ملت را در ابرشما قرار خواهیم داد. و اما کفر مردمان خیر خواهی هستند، و الان به آنها می گوییم: ای ادران خیرخواه که نهی دانید چه بید تکنید. این جمهوری اسلامی مخدوش می کند. امروز ما للت داریم، هر آنکه تصمیم گیری رایم، قانون و قانونگذار داریم. اندزارید مستولان کارها را بکنند، میسته‌ها، پاسداران، شهربانی‌ها، بهاخودشان میدانند چکار باید بجام دهند. شما غیرمستولانه اندزارید وارد قضایا و مسائل رو بود و این‌گونه حادثه‌هایی را وجود بیاورید، که برای جمهوری اسلامی بسیار نیست و سنگین

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



# چریکها - بایانی لنگ به دنبال مارکسیسم

چریکهای اکثریت با حزب توده ایران مبارزه نمیکنند، دهن کجی می کنند. و این عادت دوران کودکی است

حرب توده ایران "رویزپونیست" ، "دباله رو" و "اپورتونیست" و بی نصب از ادراک و جوهر فلسفه علمی باشد، اما فرسنگها جلوتاز آقایان "مارکسیست" - لنبیست اصلی "به سالم ترین خطوط عرصه" زم و انقلاب رسیده باشد؟! چگونه ممکن است اپورتونیست ها و رویزپونیست ها، با میارهای اسلوب خاص خود، که ناگزیر باید معتبر باشد - حداقل از عصیان سیاهکل تا امروز، چه در شرایط مبارزه زیرزمینی و چه در فضای متفاوت انقلاب - در تمام سائل اساسی و گرهی، حقانی ترین موضع را داشته اند، اما تنها انحصار داران مارکسیسم در ایران، هرگز حتی در یک ابرعم و مهم، بی لغزش و لکت و مری از اشتباهات ضایعه افرین شوده اند؟!  
شگفتانه! چه مارکسیسم دلیلی! با چنین توشهای متولی مارکسیسم شدن، آیا بی اختیار کردن مارکسیسم نیست؟ آیا مارکسیسم میتواند با جوب زیرپل، لنگ لشگان، بدینال اپورتونیسم و رویزپونیسم شود؟  
محف نموده حتی کارکنان این قضیه ممکن شود؟ پرمد سو تناهی رخ نداده و جای این مارکسیسم را پیدا که چنთاش بطر رقت انگیزی خالی است، سپاهان رویزپونیسم تمثیل خورده عوض شده است؟ مگر در ورای شفارها و رجزخوانیها، ملاک مقدماتی تمی مارکسیسم اصلی از مارکسیسم بدیلی، صحت نظر و قدر پیشینی و شناخت علمی نیروهای متوجه اجتماعی نیست؟ مکر خلاقلیت در برگارستان اصول عام مارکسیسم انقلابی، چیزی جز درک عمیق واقعیت هاست؟ چریکهای فدایی! کلاهتان را قاضی کنید! ش با این ملاک، تاجه انداره مارکسیست هستید؟

حسابگریهای کاسپیکارانه

چریکهای ایند که انقلاب آنها را غافلگیر کرد و در عین حال با سیلی جانانهای به موش آورد؛ "هنگامی که توده‌های میلیونی، پرخروش و مصمم به ساختن تاریخ خویش پرداختند و در پرتوی پیکار پرسکوهشان بنیادهای ستم را به روزه درانداختند، پیشانگانی که بران بودند تا به شویه خود و به میل خود به جای خلق انقلاب کنند، تا برای خلق تاریخ پسازند و به نیابت خلق پرچمها را برآفرانند و با دست خود تاج پیروزی پرسخلق نهند، به یکباره خلق را بگانه با پندارها و پیش بینی های خویش یافتند و خود را نه در مقام رهبری، که در موقعیت رهروی به چهارماده از کاروان مشاهده کردند. چنین بود که پیشرو واپس مانده، منقلب شد و همچنانه همراه توده‌ها خود را به چلوی کشید، درباره توده و پیشرو، درباره "انقلاب و ظرف پیشرو ... دوباره اندیشیدن آغاز کرد" (۱۴) ... چریکها گمان می‌کنند که دم سیحای انقلاب، یک شبه در کالبد "این خوده بوروزه‌های تحریف کننده مارکسیسم" روح پرولتاریا را راندیخته است، این درست است که انقلاب اعجاز می‌کند، اما بهر حال چجزه، میوه زمینهای مستعد است، در اینکه گرفتاری فدائی از انقلاب شکوهمند ایران تعیین گرفتاری، جای کوچکترین شبهه نیست، اما اینهم درست که، آنها از انقلابی با اینهمه غنا و حاصلخیزی، بسیار کم آموخته‌اند، آنچه آنها آموخته‌اند، اگرچه به توبه خود مسرت انگیزاست، اما در قیاس با آنچه یک نیروی مشتاق سوسیالیسم علی میتوانست فراگیرد، روزی گنجشک واری را به نظر می‌آورد. چریکها کی خانه بکانی کرده‌اند، کمی جدی و کنجکاو شده‌اند و به همان نسبت عبارت گرفته‌اند، کی از جارد بیوار ذهن خویش پافراتر نهاده‌اند و بازیمان اندازه خود را رفع و رجوع کرده‌اند. اما آنها اگر خواهند بمانند و وزیر گامهای سنگین حوادثی که بی‌شك پیچیده‌تر و سه‌میگن تراز گذشته خواهد بود، خرد و خمیر نشوند، باید خود را از شر حساس‌گیریهای کاسبکارانه، که از رسوبات عمیق "پورتوتیسم حاکم برسازمان طی سالیان طولانی" (۱۵) تقدیمه می‌شود، خلاص کنند. تا این فلز، به طای ناب مارکبیسم بدل شود، درکوره چرینجهای و پرهیزهای و مشقتای پاید آزموده شود.

چریکهای در برخی از انشعاب‌ها و تصوفهای جری، تا حدی، آری تفاصیل تا حدی، خالص شده و مصیل یافته‌اند. اما اگر آنها توانسته‌اند خود را از دام پاره‌ای از اعضا چپرو و آتشین مراج سازمان برهانند، تا همین حد نتوانسته‌اند با هواداران رنگ رنگ و ناهکوئی که در رواق برآنان فرمان میرانند، تسویه حساب کنند. در پیشای از موارد و عرصه‌ها آنها هواداران را دادایت نمی‌کنند، این هواداران مختلف‌الجهت و نامیزان هستند که آنها را به یعنی و آنسوهل میدهند. و یکی از ریشه‌های سرگفتگی و غبن چریکها همین جاست.

چریکهای فدائی حالا دیگر وقت زیادی ندارند بقیه در صفحه ۶

١٤- ضمیمه کار، شماره ٦١، "اکثریت و مسائله  
اقلیت" ، ص ١  
١٥- استاد پلنوم ..

مبارزه ضدامیرالیستی آنها جایز نند" (۸) مبارزه ضدامیرالیستی آنها جایز نند" (۸)  
جریکها با بیرون کردن رهبری انقلاب از صفت  
مردم - البته در شورهای خود - این رهبری راچزه  
ضد خلق حجاز دند، آنوقت با خاطری آسوده، ناقوس  
مرگ انقلاب را بصدأ درآوردند و درست سربزگاه  
هجوم جدید انقلاب به امیرالیسم (که با اشغال  
لانه‌جاسوسی امیریکا شعله‌ورش) به هوا داران خود  
رهنما دادند که:  
" به میان مردم بروید و علت شکست انقلاب  
را توضیح دهید. " (۹)

آنکس که بانگ میزند که "انقلاب شکست خورده است" ، آن چشمی که ضدخلت را ، در مسئولیتهای رهبری انقلاب میبیند ، بدیهی ترین وظیفه اش همان حکم مهلکی است که چریکهای فدایی صادر کردن :  
"باید پرولتاپیا و سایرز چمکشان را علیه خرد بورزوایی مسلح کرد" (۱۰) (عجا ، دوستان فدایی خرد بورزوایی را از جرگه زحمکشان کنار میگذارند)  
امروز چریکها ، با پرده پوشی سیاست سرگردان خود در دروغهای پس از انقلاب ، ادامه میکنند :  
"همچنانکه بارها اعلام داشته ایم (این حکومت) حکومتی و ایسته نبوده و نیست" (۱۱)  
و این سوال و شگفتی را بر میانگین کنند که : بر طبق چه اصولی شما میخواستید در آغاز ای انقلاب دموکراتیک و نه سوسیالیستی ، برولتاریا و دیگر زحمکشان را برای سرنگونی این "حکومتی کوابسته نبوده و نیست" ، مسلح کنید ؟ بطبقی چه شناختی مسئولان شما فتوی میدادند که :  
"طبقه کارگر چسبا سرنگونی قهرآمیز زیم حاکم پوسیله جبهه های از نیروهای عیقا انقلابی و خدا امیریالیستی ، قادر به انجام مرحله فعلی انقلاب نیست" (۱۲)

نه دوستن، نمطيقي سيند، بروسي و مياني خلاف گوئي در شناس يك چریک و اقني هم نيس است آب شما از روشش گل آلود است، شما نه تنها "بارها" اعلام نکرده ايد که "اين حکومت وايسته نبوده و نيس است"، بلکه "بارها" و بارها عکس آنرا گفته ايد، شما اصلا در بورزوگاري ايران همچ جناح غيرها و ايسته اى

راقویل نداشتید. شما چشمتان را روی بوروزواری بسیار و بوروزواری لیرال می‌بستید و نمتنها با تاخیر بسیار دولت را واپسی میخواهیدی. که البته چندان برداشت دققی نبود. بلکه حتی شورای انقلاب و به این ترتیب عده‌ترین اندام ارگان حکومت، یعنی درواقع حکومت را مدافعان سرمایه‌داری و باسته میخواندید:

شوروای انقلاب و سایر استجات و عناصر  
وابسته به سرمایه‌داری کوشش دارند درین‌دان  
انتخابات و دره مجلس ابتكار عمل را در دست داشته  
باشند و حتی الاماکن انتخاباتی برگزار کنند که با  
دندان سرمایه‌داری و باسته باشد و مجلسی تشکیل  
دهند که نمتنها چوب‌لای چرخ سرمایه‌داری و باسته  
نگذارد، بلکه در خدمت آن باشد. (۱۳)

جزیرکهای فدایی، که امروز با روش شدن  
بسیاری از بین‌ریحه‌های گذشته می‌گشند با بازی با

امروزه سیاستی از این مسائل و مفکرین، در درجات گوناگون، توسط نیروهای مختلف سیاسی جذب شده و چریکهای فدایی خلق یکی از این نیروها هستند. امروز صحت نافذ سیاست پیگیر حزب توده ایران برای تشکیل چهه "متحدل خلق"، بمعنای بشوانه و در مطعن نبرد ضد ایرانیست و اهرم انقلاب موردنی این نیروهای هوشیارتر سیاسی است و هاداران واقعی مارکسیسم و دموکراتی های پیشو اancaلایی، ریشه آن سیاست را در اصل تغوریک "اتحاد و مبارزه" ، که در شرایط کوتولی وجه "اتحاد" آن بروجه تضاد و مبارزه جیره است، به عین می یابند. چریکهای فدایی هم تا حدی، با آموختن از انقلاب و اقتباس از موضع سیاسی ما، کم و بیش به اکثر این بدپیهای حیاتی راه یافته اند. اما چریکها در موضوع نوین هم، که با تفاخر از آن باد میکنند، از درون همان طوابط و باهمان القاب و اتهاماتی به حزب توده ایران میتازند، که در موضوع متضاد گذشته میتاخندند. چریکهای اگر موش میکنند و یا خودرا به کوچه علی چه میزندند که، چگونه مکنت

۸. وزیر نامه کار، ۲۴ آبان، ۵۸، ص ۲  
 ۹. ضمیمه کار، ۲۱ آبان، ۵۸، ص ۴

۱۵- پاسخ به مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی ،  
ص ۳۳

۱۶- سرتقاله کار ، شماره ۵۹، ص ۲

۱۷- تحلیلی از اوضاع کوئی ایران ، دانشجویان  
پیشگام قزوینی ، ص ۶۲

۱۸- سرتقاله کار ، شماره ۴۵

از "سیاهکل" ، که مبدأ تاریخ چریکهای است ، تا  
امروز ، اصول عقیدتی و مبانی شوریک حزب تسوده  
ایران تغییر نکرده است . اگرچه یکجا امروز حزب ما  
را با همان ملکی قضاوت میکنند که در دوره‌ای که  
اساساً درگ آنها ازین مارکسیستی نبود ، میکردند  
نشانه‌آنست که آنها هم در عمق ارزش‌های طبقاتی  
خود ، تغییر کیفی نداده‌اند ، یعنی مشی سیاسی  
جدید و دیدگاه‌های ایدئولوژیک آنها در سطح  
متوقف نانده است . و چنین «وضعی» ، تثنا یک صفت  
شامل است : ایشورتونیسم ...

پهله بیرا لیبرالها از انقلاب شکوهمند بهمن تا امروز، یکارديگر نظرات و مشي سياسي ما و چريکها، درگرمه زمان و عمل، به همک تجربه آزموده شده است. همانگونه که "خط سياهكل" درست از نقطه مخالف خط حزب متوجه ايران آغاز شده بود، مشي سياسي و تحليل شتوريك چريکها از اساسی ترين سائل پس از انقلاب، با برداشتها و خواهاب ممتاز داشت. جريکها از افق "پيروزي انقلاب" جنبه دمکراتيک آنرا زير يگانه اند. ويانتوانيستد بيبينند و شعارهای سوساليسطي را دم گرفتند. اما اين تندروي در شغار، مانع آر آن نشد که آنها در عمل بدبانی بورژوازي لیبرال بيفتدند و همنگ جماعت آنها شوند. چه بروي در گفتار و راست روی درگردار اضافه همچون آن سياستي است که چريکها را بطور فعال بهمه مينيگاهي "جهبهه" دمکراتيک ملي "مقتن دفتری" کشانند و در منازعه بين دولت لیبرال "قام به گام" با خرد به بورژوازي ضداميриاليست، که زيرلوای اسلام حرکت ميگرد، به حمایت و تاييد لیبرالها واداشت.

" به نظرسازمان چریکهای فدایی خلق ایران مدافعان حقوق و مفافع مردم دولت است و باید بـ دولت فرصت و اختیارات کافی داده شود، تا از این حقوق دفاع کند. ممکن است دولت را پاسخگو می‌شناشیم و نه هیچ تهدیدیگری را. سازمان ما از اقدامات دولت که درجهت تشییع آزادی هـای دموکراتیک صورت می‌گیرد، بشتبیه این خواهد گرد، اما درحال حاضر اختیارات قوای مجریه و قضاییه بطور کامل در دست دولت نیست. "(۳)

چریکهای فدایی، که در یاهوی بسیار خود بـ هرای هیچ" به سروزونی کشتار سوسیالیسم رضا نمیدانند، خود نمیدانند که در کنار لیبرالهای که از دوره امریکا شنک می‌زنند، ایستاده‌اند و دفاع از حقوق و مفافع مردم "را از این محافظه کاران گزینان از مردم و ترسان از انقلاب طالبـ می‌کنند. آنها نمیتوانند دریابند که خود ایـ این دولت، که چریکـ اختیارات و سعی تـ را برای آن تجوییز میـ کنند، بزرگترین مانع تعمیق انقلاب و حضور تودهـ هـ در آنست. سخنگوی فداییان خلق درگیر و دارمبارزه شدیدی که در همان موقع بین دولـ تـ طلب حکومـ تـ، یعنی دموکراتـ هـ ای انقلابـی و لـ بـ رالـ هـ ای محافظـ ظـ کار جـ ریـ اـ دـاشـ تـ، صـ راحـ تـ بـهـ جـانـ بـ اـ رـیـ اـ زـ لـ بـ رـ الـ هـ سـ نـیـ نـهـ سـیرـ کـ رـدـ وـ بـهـ حـ سـابـ باـزـ کـرـ دـنـ بـاـ آـنـ بـ دـاخـ لـ.

بايد قواي قضائيه واجري اييه بطور كامل در اختيار دولت قبارگيرد . . . ما فکر ميکنيم تعريف اختيارات دولتي موجب تشدید درگيري به من مردم خواهد شد . . . )<sup>(4)</sup>

جيڪها، که به زيان خودشان، برادر پرسيه انقلاب پيشداوريهاي ذهنی و روشنگرانه شان از هم گسيخت و دربربو حقايق خيره گشته های که علیه آنها حکم ميدار، ناگهان خود را در پس توده ها و در گلاف ذهنیات فلک گشته خويش اسیر یافته بودند، درموضع لرزان و بهت آموز دفاع از دولت بizar از انقلاب نسيوانسته مدت مديدي تاب بياورند، و نياورند.

افتادن جريشكها در دام ليبراليسم، نخست با خاطر درگ غلط آنها از خصلت دموکراتك انقلاب و

برداشتی بورزویی از لکه دستگاهی و درنایی  
به باطری مده کردن وجه دمکراتیک انقلاب و  
قدم داشتن آن بروجه ملی و ضد امیریالیستی  
انقلاب ایران بود. از این پس یک چند جریکای  
فلاح شده در کلاف ذهنیات، دنباله ره حواست  
شدند. سیاست خود را از این رویدادها آن رویداد  
تغییر دادن - چیزی که لذین آنرا مشخصه اپورتوئیسم  
مینامید - از این شاخه به آن شاخه بریدن و برسر  
هر شاخه، سرمایت ترین نفعه را در برداره راه و رسم  
انقلابی خود را دادند، یعنی دریک کلام، سیاست  
مشخص نداشتن، تنها سیاست مشخص چریکیاند.  
آنان یک چند درسیمای روحانیت، فاشیسم  
جدیدی را که از راه میرود، دیدند. یک چند  
نیو یورکونه مبارزه ضد امیریالیستی را از طرف همیزی  
سیاسی انقلاب، بی محنتی، "فریب تودهها" (۵) و  
"ادا و اطوارهای انقلابی نهایانه" (۶) و "کاسه  
زیورنیم کاسه" (۷) خواندند و بجای یاری دادن به  
این مبارزه ضد امیریالیستی و عمیق گردن آن،  
مبارزان را به گذاشتن جوب لای جوش آن دعوت

گردد: "ماک خدامیریالبستی این دارو دسته را از چهره شان بردارید و اجازه ندهید یکاره گراییش را کنترل کنید."

۳- مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی چریکهای فدائی  
خلق، روزنامه کیمیا، ۲۱ اسفندماه ۵۷

۴- روزنامه آیندگان، ۲۱ اسفند ۵۷

۵- عودت؟ ویرزنهاده کار، ۲۴ آبان ۵۸، ص ۲

چریکهای فدایی بامهای میگویند که دوران دکی را پشت سرگذاشتند. آنها انجیزه‌گشتنگی و درا در آن دوران طولانی پر رضایه، چنین توصیف کنند: "اساسا درگ ما ازین مارکسیستی نبود، ما یک بیان خردۀ بورژوازی بودیم، که از قالب پرولتیری تقاده می‌کردیم. " مادرنیتی سعی کردیم بهمی پرولتاریا برویم، یعنی نتوانستیم. ما مارکسیسم را درگ نکردیم، تعریف کردیم." (۱) آنروز که چریکها (۲)، به اعتراف صریح خود شاریک جریان خردۀ بورژوازی بودند "که" مارکسیسم ازین درگ نمیکردند، آنروز که ملاک ارزیابی و ساخت "این عصیانگران میهوت" نه امارکسیسم، که مارکسیسم تحریف شده بود، از حزب توده ایران نتوان "اپورتونیست"، "روزیونیست"، "دنبلهرو" سازمانکار و "تلیم طلب" یادمی کردند. آنروز ما میکویندند که چرا به مبارزه جدا از توده اعتقاد نداریم؟ چرا با ترور فردی مخالفیم؟ جراحت و شکران خاشجوعی را، که با توهم بیدارکردن توده ها و قوه کارگر از خواب غفلت، فنگ بدoush گرفته اند، روشیان بی آینده سی خوانیم؟ چرا مبارزه تن به تن شمرگانی را، که خیال میکردند پیشاهنگان پرولتاریا مستند و در میدان نبرد نامناسب دست به نوعلی استخار سیاسی زده بودند، جلوه‌های رمانیستی لذای، که هیچ وجه مشترکی با مارکسیسم انقلابی اراد، مینامیم؟ چرا به مطلق کردن مبارزه انقلابی یک شکل دلخواه و منحصرکردن شیوه‌های مبارزه ملحانه به یک شیوه ازیش تعیین شده، بیزاریم؟ رابا و آنذر از ایالت ناراضی خوب طبقه کارگری و عوشهای مسلح روشنگری، با اشغال جای مارگن و ملکس و لذین در عرصه "شوری علمی و انقلابی" سط ماؤن و روئیس دیره و ماریلیک، باحدق مرحله، مکراتکتیک انقلاب ایران و پیش کشیدن شماره‌های نهانگام سوسیالیستی، با مقدم کردن "ذهب" بر عین، که تیزیدن در روحانیات ایدآلیسم شمره، تئو و طبعی آنست، با جنگ و دندان و باتمامی ت، فرامت می‌بازد، می‌کنیم؟

آری، جو چیزها ما را بخاطر این "عاصی کبیره"!  
ظایر آن "رفومیست"، "خانم" و "روزیونیست"  
طالب می کردند. ما را به استهزا می گرفتند که  
خلاصیت انقلابی مارکسیسم "را درک نمی کنیم و به

ب مشت تئوری جاد، "که در شرایط ویژه ایران  
یقواند کارساو باشد" مذکور نمایم.  
جزیکها داران روز خود را تنها مارکیست -  
ینیست های اصلی و پایه گذار جنبش نویسنده است. این "مخاهندن" واخراست که از

من مظرگاه این باور، نه فقط ما روزبیونیست  
را آتش و مادرزاد از آب درآمدیم، بلکه جنگش  
هانی کارگری و کمونیستی و پیشاپیش این جنبش،  
بورهای سوسیالیستی و در رأس همه این گثوارها،  
جاد شوروی، یکسر روزبیونیستی قلداد بیشد،  
امروز چربکهای فدایی مدعی اند که کودک  
نمگیدوش و ناشکیبای دیروز رشد کرده و برخیال-  
فهای، ساده لحاظه خمیش جبه شده است، آسما

عی اند که به درک و بلوغ بروولتري نائل آمداندو  
بلوب و معیارهای نوینی برای ارزیابی و داوری در  
ست دارند. و بدینه است که با اسلوب و معیارهای  
ولترنی باشد و نمیتوان به همان نتایجی رسید که با  
بلوب و معیارهای خردۀ پورژو ای به آن میرسند.  
چریکهای ندایی تصویر میکنند که درآذته،  
پایگاه غیربرولتري، مارکسیسم را تحریف کرده‌اند.  
تحریف مارکسیسم اگرگوئیم خیانت به آن،  
داقل زخم‌زدن به ایدئولوژی بروولتاریاست، صرف  
که ازینیت یعنی تحریف کنندگان، آنها در عمل در  
نگر مقابل بروولتاریا قرار میگیرند، "نیات حسن"  
نمیتواند درست هسته کاشت.  
۱۵۶ - افسوس

میانمید و اتفاقاً تاکید می‌کرد که آن‌تگی روزگاری تحریف مارکسیست

علم از اینکه دارای هر اعتقد ذهنی باشد" ، در  
مل چنین نقشی دارد.  
برای جریکها و هر آنکه دلش با مارکسیسم است  
آن واقعیت عبرت انگیز است که جریکهای "مرتد"  
بیروز ، یا به قول خودشان "تحریف‌کنندگان  
رکیسم" ، از موضعی که بی شbekه‌منی توائیست  
ولتری باشد ، حزب توده ایران را "روزیونیست  
پورتوونیست" ، "سازشکار" و غیره مینامیدند ، و

ریکهای امروز، که آن موضع ارتضاد را تقدومنشی  
کنند، همان اتهامات را طبیق التعلیم شکار میکنند.  
ریکهای امروز در واقع حرفها و باورهای "مقدان" و  
تعریف کنندگان "را دروازه" حزب توده ایران و  
جمهوری اسلامی ایران میگشانند.

سی سی سی و اصول دیگروریت از این میتواند  
که راهکاری کنترلین ناراحتی و جدان از این بابت  
اراندکه، طی سالیان تجربه‌افرین اخیر، حداقل  
اولوفقطی پیشتر مواضع مورد اختلاف را درجهت  
زب توده ایران ترک کرده‌اند، یعنی بعدازدهسال

مردگران و به بھاں خون و رنج و اسارت صمیعی-  
ین فرزندان خلق - که نوعی خاصه خرجی بحساب  
حق است - به همان جاچی رسیدهادن که از وز  
حست حزب توده ایران آنها را دعوت میگرد ،

اسناد نخستین پلنوم سازمان چریکهای خدائی  
لوق (بحران درون سازمان چریکهای خدائی خلق و  
شمهای آن) ، ص ۲۱

در این مقاله، هرجا که از چریکهای خدائی خلق  
نم برده میشود، منظور چریکهای اکثریت است

## کارگران کوره پز خانه ذرین خاک ارومیه: محروم از همه چیز



"هاز اطراق نقده بهاین جهیم آمده ایم. چنگ و زبرادر کشی که توسط سرمایه اران و صنایع بیرون در نقده ایجاد شد، باعث شد که مانیز خانه و گاشانه خوش را رها کرده باینجا بیاشم. در اینجا هم که می بینید، هیچ چیزنداریم. هیچ مزایای قانونی باعث نمی گیرد. از حق اولاد پیغماً بهم و غیره، انتشار اهل کارگر نیستم."

البته بیشتر این کارگران در اثر نداشت زمین و امکانات دیگر زندگی مجبور به ترک دیوار خویش شده اند و شکن نیست که مضمون اینکه امکانات برایشان در روستا و شهرخویش از قبل زمین و غیره فراهم شود، به آنچه این کارگران گردند و دیگر مجبور بهم چنین مهاجرتی خواهد شد. ازکارگران می خواهیم گفارات انتشار این کارگران بیشتر این کارگران در انتظار انتشار و خواسته ای که از انقلاب دارند، برایمان صحت گند.

در مقابل این شوال، کارگر پیری بنام عزیز، فقط کلمه "انتشار" را تکرار می کند. اوکه ۵۲ سال سن دارد، اثاث تمام و جودش را در ادای همین یک کلمه تکرار می کند و سپس ساخت می کند. یکی دیگر از کارگران می گوید:

وظفه ما اول از همه این است که مشکل بشویم، که نیستیم. اگرستندیکا و یا تحدیدهای تشکیل بدیم، بوسیله آن میتوانیم خواسته ایان را مقابله دولت مطرح کنیم.

ذرین خاک ایم کوره پز خانه ای است که در ۱۶ کیلومتری شهر ارومیه، در جاده آنبر واقع است. اسم زیبایی دارد، ولی آنچه مسلم است، خاک این کوره پز خانه ذرین نیست، بلکه دسته های کوچک و بزرگ اند. کارگرانی که از ایام تاسام با کارآفران فرسای خویش مرغوبیت خاک را چند دنده و با مدهزار آجری که هر روز در این کوره تولید می کنند، برای همچنان دروغ اتفاق رزندگی می کنند. واژه اجده با که کارگر کجا و چطور زندگی می کند؟ کارگر فلکتاری در این مسورد می گوید:

"به هر یک از ما، یعنی هر خانوار اثاق که ای داده اند که بدغیر از یکیان هیچکس نمی تواند در آن زندگی کند. اثاق کیا می کند؟ پر است از حشرات گزند و حیوانات سم دار."

وی در مورد کارگران این کوره پز خانه می گوید:

"حدود ۴ خانوار در اینجا کارمی کنند، که در ازای تولیدهای خزار آجره ۱۰ توان دستمزد دریافت می کارند. به کوره چشمی این کوره برای هر هزار عدد آجر ۹ توان و به بدهی ترین کارگران هستند. ۷۲ توان دستمزد براحت می شود."

یکی دیگر از کارگران در ادامه، حرفه ای دوستش می گوید:

شروع می کنیم. سارگان هنوز در اسمان هستند و شده اند و شکن نیست که مضمون اینکه امکانات برایشان در روستا و شهرخویش از قبل زمین و غیره فراهم شود، به آنچه این کارگران شده اند. نان به این مکانها کشیده شده اند. رحمان، یکی از کارگران است که می گوید:

"۱۰ ساله هستم. تاکلاس چهارم درس خوانده ام."

درستان کوچک و زمخشن نگاه داشته و متفوق است که خاک بود، ادامه می دهد:

من سیزده دیگر از کارگران از صبح سه شنبه شب کارمی کنم. اغلب کارگران این کوره پز خانه از شهرهای اطراف به اینجا آمدند و ساخته ایان نیز کرد هستند. یکی از کارگران در این مورد می گوید:

## قانون کار را در مورد نانو ائمه ای قانون کار را اجرا نکند



در شهر تبریز قریب ۳۵ نانوایی وجود دارد و در هر یک از آنها ۳ نانوایی مشغول به کار هستند. این کارگرها اولین ساعت روز و قبل از طلوع آفتاب نانوایی کار می کنند. با این حال آنها نه تنها از حداقل امکانات رفاهی و اینستیتیوں برخوردار نیستند، بلکه حتی حقوقی کمتر از مقدار تعیین شده در قانون کار دریافت می کنند. (حداقل حقوق طبق قانون کار برای هر کارگر ساده ۴۵ ریال است).

در نانوایی ها بیمه، بهداشت، حق مسکن، حق اولاد و دیگر امکانات رفاهی و اینستیتیوں وجود ندارد و هر روز که کارگران به علت بیماری یا دیگر مشکلات زندگی نتوانند کار کنند، آن روز را بدون حقوق می مانند. حقوق روزهای تعطیل نیز به آن ها تعلق نمی گیرد.

برای آشنایی بیشتر با مشکلات کارگران، به جند نانوایی سرزدیم، تا کارگران خودشان درده ها و کمبودهایشان را بیان کنند و خواسته های به حق خود را ابراز دارند.

محمد، یکی از کارگران لواش بیز، که ۱۶ سال هستند، چون هیچ چیز در زندگی ندارند،

برای آنکه بیرون می آیند، همماش کار، زمانی که کار را

آدمیم تا سال گذشته بدرم کار می کرد و من می

توانستم به مدرسه بروم. ولی اکنون پدرم مریض و خانه نشین شده است. پس از مریض بدرم،

ناجار شدم مدرسه را رها کردم کار کنم. حالا در اینجا، در مقابل ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار، حدود ۵۰ تا ۴۰ تoman (در ازای هر گونی آرد) می گیرم،

با این بیزور با بخور و نمیر زندگی می کنیم."

رویم، شاطر لواش بیزی، در ادامه، حرفه ای دوستش می گوید:

"وضع ما را که خودتان می بینید، در حالی که حقوقنا بول یک کیلو گوشت هم نمی شود

پچه های خودم، ماهی یکبار هم که شده، رنگ -

گوشت را نمی بینند."

از او درباره سندیکای کارگران لواش پی بعد از انقلاب تشکیل شد. ولی پیش بود،

نتوانست کاری از پیش ببرد.

در باره زندگی خودش می برسیم. می گوید:

"وضع ما را که خودتان می بینید، در ۱۲ سال

است که صبح زودی آیم و غروب خسته و کوفته خانه در رایان حرامت است. برای بستن و دردن خرج خانواده می کردم. هر چهار گزنه کار کنم، و مر روزی که کار

نکنیم از حقوق خبری نیست. مثلا خودمن چند روز

بیش سیسه پایم را برد، ولی با این حال می بینید

بهرسخاکی همچویی که از این کارگران هست."

در زمان طاغوت سندیکایی داشتیم که بعد از انقلاب تصمیم گرفتیم دو باره آن را تشکیل دهیم

و به جای نماینده طاغوتی، نماینده واقعی خودمان را انتخاب کنیم. ولی فرمانداری مخالفت کرد و همان نماینده قبلي بهتر است سرجايش باشد. من

نمی دانم وقتی امام می گوید اراده افراط افغانی باشد و ما می گوییم احتجاج به افراد طاغوتی ندانیم، چرا

مقامات مستول می گویند نه. نتیجه این کار آن شد

که نزدیکی همچویی همچویی وضع نایاب ندارند.

است که دیگران طرح کرده بودند.

محبوب میرزا محمد، ماحب مفارزه، که خود

نیز در آنجا کار می کند، در باره سندیکای گوتفتیز

را تشکیل داده اند، ولی عملکاری از سندیکای بر

نمای آید. موافق زیادی بر سر راه سندیکا و گردید.

که اول باشد آنها را از پیش برد.

میر محمد، یکی دیگر از کارگران این نانوایی،

در دور مسکلاتش چنین می گوید:

"دردها و خواسته های ممکن است. نهایت

آذوهایان اینست که زندگیان تا می شود و فریاد نمایند.

بنابراین این کارگران است. این نانوایی

نه حقوق استفاده می کنند. من خودم دو تا چند

که به علت کمی حقوق نتوانستم خود تحقیص شان را

بدهم و آنها را به مدرسه بفرستم."

قرچلی نوری، کارگر این نانوایی،

باره سندیکایی می گوید:

"در زمان طاغوت سندیکایی داشتیم که بعد

از انتخاب تصمیم گرفتیم دو باره آن را تشکیل دهیم

و به جای نماینده طاغوتی، نماینده واقعی خودمان را انتخاب کنیم. ولی فرمانداری مخالفت کرد و همان نماینده قبلي بهتر است سرجايش باشد. من

نمی دانم وقتی امام می گوید اراده افراط افغانی باشد و ما می گوییم احتجاج به افراد طاغوتی ندانیم، چرا

مقامات مستول می گویند نه. نتیجه این کار آن شد

که نزدیکی همچویی همچویی وضع نایاب ندارند.

است که دیگران طرح کرده بودند.

محبوب میرزا محمد، ماحب مفارزه، که خود

نیز در آنجا کار می کند، در باره سندیکای گوتفتیز

را تشکیل داده اند، ولی عملکاری از سندیکای بر

نمای آید. موافق زیادی بر سر راه سندیکا و گردید.

که اول باشد آنها را از پیش برد.

میر محمد، یکی دیگر از کارگران این نانوایی،

در دور مسکلاتش چنین می گوید:

"وضع ما را که خودتان می بینید، در ۱۲ سال

است که صبح زودی آیم و غروب خسته و کوفته خانه در رایان حرامت است. برای بستن و دردن خرج خانواده می کردم. هر چهار گزنه کار کنم، و مر روزی که کار

نکنیم از حقوق خبری نیست. مثلا خودمن چند روز

بیش سیسه پایم را برد، ولی با این حال می بینید

بهرسخاکی همچویی که از این کارگران هست."

در زمان طاغوت سندیکایی داشتیم که بعد

از انتخاب تصمیم گرفتیم دو باره آن را تشکیل دهیم

و به جای نماینده طاغوتی، نماینده واقعی خودمان را انتخاب کنیم. ولی فرمانداری مخالفت کرد و همان نماینده قبلي بهتر است سرجايش باشد. من

نمی دانم وقتی امام می گوید اراده افراط افغانی باشد و ما می گوییم احتجاج به افراد طاغوتی ندانیم، چرا

مقامات مستول می گویند نه. نتیجه این کار آن شد

که نزدیکی همچویی همچویی وضع نایاب ندارند.

است که دیگران طرح کرده بودند.

محبوب میرزا محمد، ماحب مفارزه، که خود

نیز در آنجا کار می کند، در باره سندیکای گوتفتیز

را تشکیل داده اند، ولی عملکاری از سندیکای بر

نمای آید. موافق زیادی بر سر راه سندیکا و گردید.

که اول باشد آنها را از پیش برد.

میر محمد، یکی دیگر از کارگران این نانوایی،

در دور مسکلاتش چنین می گوید:

"وضع ما را که خودتان می بینید، در ۱۲ سال

است که صبح زودی آیم و غروب خسته و کوفته خانه در رایان حرامت است. برای بستن و دردن خرج خانواده می کردم. هر چهار گزنه کار کنم، و مر روزی که کار

نکنیم از حقوق خبری نیست. مثلا خودمن چند روز

بیش سیسه پایم را برد، ولی با این حال می بینید

بهرسخاکی همچویی که از این کارگران هست."

در زمان طاغوت سندیکایی داش



## درجهان سوسیالیسم

۲۸ درصد تجهیزات صنعتی آلمان  
دموکراتیک کننه تر از پنج سال نیست

جمهوری دمکراتیک آلمان، در سال های ۵۸-۱۳۵۰، برای تحکیم پایه مادی - فنی اقتصاد خود، هرساله به سرمایه‌گذاری های خوش افزوده است.

این کشور در نسال نامه ده، در اقتصاد ملی خود دیگر کشورهای عضو "شورای همیاری اقتصادی" ۳۹۱ میلیارد مارک سرمایه‌گذاری کرد، که بین از-

تیجی او آن در صفت بود. بنده و ندر صدمایپا-

گذاری در صفت، به تقویت پایه انرژی و مواد خام اختصاص یافت. در چهار سال گذشته، بیشترین جاه درصد سرمایه‌گذاری های آلمان دمکراتیک به منظور توسعه و راسونیالیزاسیون به کار رفته است.

با گسترش ابزار پایه ای (ماشین، تجهیزات ساخته ای، زمین، وسایل ترابری وغیره) اقتصاد

ملی افزایش کارآمدی سرمایه‌گذاری اهمیت فرازیده

می یابد.

جدول زیر گسترش ابزار پایه ای اقتصاد طی-

آلمان دمکراتیک را در سال های ۷۹-۱۹۷۵ نشان

می دهد:

سال ابزار پایه ای (به میلیارد مارک)

درجهان سرمایه‌داری	
۱۹۷۵	۴۶۶/۷
۱۹۷۶	۵۷۶/۹
۱۹۷۷	۶۸۶/۰
۱۹۷۸	۶۸۶/۰
۱۹۷۹	۶۸۶/۰
۱۹۸۰	۶۸۶/۰
۱۹۸۱	۶۸۶/۰
۱۹۸۲	۶۸۶/۰
۱۹۸۳	۶۸۶/۰
۱۹۸۴	۶۸۶/۰
۱۹۸۵	۶۸۶/۰
۱۹۸۶	۶۸۶/۰
۱۹۸۷	۶۸۶/۰
۱۹۸۸	۶۸۶/۰
۱۹۸۹	۶۸۶/۰
۱۹۹۰	۶۸۶/۰
۱۹۹۱	۶۸۶/۰
۱۹۹۲	۶۸۶/۰
۱۹۹۳	۶۸۶/۰
۱۹۹۴	۶۸۶/۰
۱۹۹۵	۶۸۶/۰
۱۹۹۶	۶۸۶/۰
۱۹۹۷	۶۸۶/۰
۱۹۹۸	۶۸۶/۰
۱۹۹۹	۶۸۶/۰
۲۰۰۰	۶۸۶/۰
۲۰۰۱	۶۸۶/۰
۲۰۰۲	۶۸۶/۰
۲۰۰۳	۶۸۶/۰
۲۰۰۴	۶۸۶/۰
۲۰۰۵	۶۸۶/۰
۲۰۰۶	۶۸۶/۰
۲۰۰۷	۶۸۶/۰
۲۰۰۸	۶۸۶/۰
۲۰۰۹	۶۸۶/۰
۲۰۱۰	۶۸۶/۰
۲۰۱۱	۶۸۶/۰
۲۰۱۲	۶۸۶/۰
۲۰۱۳	۶۸۶/۰
۲۰۱۴	۶۸۶/۰
۲۰۱۵	۶۸۶/۰
۲۰۱۶	۶۸۶/۰
۲۰۱۷	۶۸۶/۰
۲۰۱۸	۶۸۶/۰
۲۰۱۹	۶۸۶/۰
۲۰۲۰	۶۸۶/۰
۲۰۲۱	۶۸۶/۰
۲۰۲۲	۶۸۶/۰
۲۰۲۳	۶۸۶/۰
۲۰۲۴	۶۸۶/۰
۲۰۲۵	۶۸۶/۰
۲۰۲۶	۶۸۶/۰
۲۰۲۷	۶۸۶/۰
۲۰۲۸	۶۸۶/۰
۲۰۲۹	۶۸۶/۰
۲۰۳۰	۶۸۶/۰
۲۰۳۱	۶۸۶/۰
۲۰۳۲	۶۸۶/۰
۲۰۳۳	۶۸۶/۰
۲۰۳۴	۶۸۶/۰
۲۰۳۵	۶۸۶/۰
۲۰۳۶	۶۸۶/۰
۲۰۳۷	۶۸۶/۰
۲۰۳۸	۶۸۶/۰
۲۰۳۹	۶۸۶/۰
۲۰۴۰	۶۸۶/۰
۲۰۴۱	۶۸۶/۰
۲۰۴۲	۶۸۶/۰
۲۰۴۳	۶۸۶/۰
۲۰۴۴	۶۸۶/۰
۲۰۴۵	۶۸۶/۰
۲۰۴۶	۶۸۶/۰
۲۰۴۷	۶۸۶/۰
۲۰۴۸	۶۸۶/۰
۲۰۴۹	۶۸۶/۰
۲۰۵۰	۶۸۶/۰
۲۰۵۱	۶۸۶/۰
۲۰۵۲	۶۸۶/۰
۲۰۵۳	۶۸۶/۰
۲۰۵۴	۶۸۶/۰
۲۰۵۵	۶۸۶/۰
۲۰۵۶	۶۸۶/۰
۲۰۵۷	۶۸۶/۰
۲۰۵۸	۶۸۶/۰
۲۰۵۹	۶۸۶/۰
۲۰۶۰	۶۸۶/۰
۲۰۶۱	۶۸۶/۰
۲۰۶۲	۶۸۶/۰
۲۰۶۳	۶۸۶/۰
۲۰۶۴	۶۸۶/۰
۲۰۶۵	۶۸۶/۰
۲۰۶۶	۶۸۶/۰
۲۰۶۷	۶۸۶/۰
۲۰۶۸	۶۸۶/۰
۲۰۶۹	۶۸۶/۰
۲۰۷۰	۶۸۶/۰
۲۰۷۱	۶۸۶/۰
۲۰۷۲	۶۸۶/۰
۲۰۷۳	۶۸۶/۰
۲۰۷۴	۶۸۶/۰
۲۰۷۵	۶۸۶/۰
۲۰۷۶	۶۸۶/۰
۲۰۷۷	۶۸۶/۰
۲۰۷۸	۶۸۶/۰
۲۰۷۹	۶۸۶/۰
۲۰۸۰	۶۸۶/۰
۲۰۸۱	۶۸۶/۰
۲۰۸۲	۶۸۶/۰
۲۰۸۳	۶۸۶/۰
۲۰۸۴	۶۸۶/۰
۲۰۸۵	۶۸۶/۰
۲۰۸۶	۶۸۶/۰
۲۰۸۷	۶۸۶/۰
۲۰۸۸	۶۸۶/۰
۲۰۸۹	۶۸۶/۰
۲۰۹۰	۶۸۶/۰
۲۰۹۱	۶۸۶/۰
۲۰۹۲	۶۸۶/۰
۲۰۹۳	۶۸۶/۰
۲۰۹۴	۶۸۶/۰
۲۰۹۵	۶۸۶/۰
۲۰۹۶	۶۸۶/۰
۲۰۹۷	۶۸۶/۰
۲۰۹۸	۶۸۶/۰
۲۰۹۹	۶۸۶/۰
۲۱۰۰	۶۸۶/۰
۲۱۰۱	۶۸۶/۰
۲۱۰۲	۶۸۶/۰
۲۱۰۳	۶۸۶/۰
۲۱۰۴	۶۸۶/۰
۲۱۰۵	۶۸۶/۰
۲۱۰۶	۶۸۶/۰
۲۱۰۷	۶۸۶/۰
۲۱۰۸	۶۸۶/۰
۲۱۰۹	۶۸۶/۰
۲۱۱۰	۶۸۶/۰
۲۱۱۱	۶۸۶/۰
۲۱۱۲	۶۸۶/۰
۲۱۱۳	۶۸۶/۰
۲۱۱۴	۶۸۶/۰
۲۱۱۵	۶۸۶/۰
۲۱۱۶	۶۸۶/۰
۲۱۱۷	۶۸۶/۰
۲۱۱۸	۶۸۶/۰
۲۱۱۹	۶۸۶/۰
۲۱۲۰	۶۸۶/۰
۲۱۲۱	۶۸۶/۰
۲۱۲۲	۶۸۶/۰
۲۱۲۳	۶۸۶/۰
۲۱۲۴	۶۸۶/۰
۲۱۲۵	۶۸۶/۰
۲۱۲۶	۶۸۶/۰
۲۱۲۷	۶۸۶/۰
۲۱۲۸	۶۸۶/۰
۲۱۲۹	۶۸۶/۰
۲۱۳۰	۶۸۶/۰
۲۱۳۱	۶۸۶/۰
۲۱۳۲	۶۸۶/۰
۲۱۳۳	۶۸۶/۰
۲۱۳۴	۶۸۶/۰
۲۱۳۵	۶۸۶/۰
۲۱۳۶	۶۸۶/۰
۲۱۳۷	۶۸۶/۰
۲۱۳۸	۶۸۶/۰
۲۱۳۹	۶۸۶/۰
۲۱۴۰	۶۸۶/۰
۲۱۴۱	۶۸۶/۰
۲۱۴۲	۶۸۶/۰
۲۱۴۳	۶۸۶/۰
۲۱۴۴	۶۸۶/۰
۲۱۴۵	۶۸۶/۰
۲۱۴۶	۶۸۶/۰
۲۱۴۷	۶۸۶/۰
۲۱۴۸	۶۸۶/۰
۲۱۴۹	۶۸۶/۰
۲۱۵۰	۶۸۶/۰
۲۱۵۱	۶۸۶/۰
۲۱۵۲	۶۸۶/۰
۲۱۵۳	۶۸۶/۰
۲۱۵۴	۶۸۶/۰
۲۱۵۵	۶۸۶/۰
۲۱۵۶	۶۸۶/۰
۲۱۵۷	۶۸۶/۰
۲۱۵۸	۶۸۶/۰
۲۱۵۹	۶۸۶/۰
۲۱۶۰	۶۸۶/۰
۲۱۶۱	۶۸۶/۰
۲۱۶۲	۶۸۶/۰
۲۱۶۳	۶۸۶/۰
۲۱۶۴	۶۸۶/۰
۲۱۶۵	۶۸۶/۰
۲۱۶۶	۶۸۶/۰
۲۱۶۷	۶۸۶/۰
۲۱۶۸	۶۸۶/۰
۲۱۶۹	۶۸۶/۰
۲۱۷۰	۶۸۶/۰
۲۱۷۱	۶۸۶/۰
۲۱۷۲	۶۸۶/۰
۲۱۷۳	۶۸۶/۰
۲۱۷۴	۶۸۶/۰
۲۱۷۵	۶۸۶/۰
۲۱۷۶	۶۸۶/۰
۲۱۷۷	۶۸۶/۰
۲۱۷۸	۶۸۶/۰
۲۱۷۹	۶۸۶/۰
۲۱۸۰	۶۸۶/۰
۲۱۸۱	۶۸۶/۰
۲۱۸۲</td	

نامه هرودم

**پیروان خط‌بازی‌نگاری در تلاش هموار ساختن راه‌سازی با امریکا**  
در باره نامه آقای صادق قطبزاده به مجلس شورای اسلامی ایران برای آزادی اگر و گانها، ی جاسوس امریکائی

هاهنگی داشت. هر کور بی غرضی میدید که ترکیه و پاکستان در عداد کشورهای نیستند که بتوانند با ما بر ضد امیریالیسم مبارزه کنند، زیرا هر دو پایگاه امیریالیسم اند، هر دو با آمریکا قرارداد دوچاره نظرالمدارند. اما وزارت امور خارجه ایران تمام کوشش خود را در راه تزدیک به این در رژیم سرسیده با امیریالیسم آمریکا بکار بست. و این در شرایطی است که جوانان رشید انقلابی، دیبلوماتیای جاسوس آمریکائی را به علامت اعتراض و عکس العمل در برابر قوه امنیتی آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و به سیاست تزدیکی با امیریالیسم آمریکا، که دولت وقت دریش گرفت، به «گروگان» گرفتند. بعد نیست که اگر انقلاب دوم، ایران بود، پیروان خط برؤیسکی یورم ایران توصیه میکردند که باید پیمان مستو را (البته این بار بنام پیمان اسلامی) اجرا کرد، «گروگانکری»، اگر هیچ فایده دیگری هم نداشت، این فایده بزرگ را داشت که دست نپاچ کسانی را که میخواستند امیریالیسم آمریکا را از بین اعده به ایران باز کردند، بست. نامه آقای قطبزاده شنان میدهد که، با آنکه هنوز «گروگانه» از آزاد نشده‌اند، سیاست کارچاق‌کنی برای اعاده روابط با آمریکا، که بدليل ماهیت تغیر-نابذیر امیریالیستی اش چیزی جز روابط غارتکر و غارت‌زده نمیتواند باشد، با چه حرارتی دنبال میشود، از آنجه گفته توجه میگیریم که مسئله گروگانها برای هر دولت، چه امیریالیستی‌ای آمریکائی و چه طرفداران سیاست تزدیک به آمریکا و پیروان خط برؤیسکی دسته‌های دشمن است.

امیر یا لیستهای آمریکائی «گرو-کانکری»، را فقط بهانه سیاست اعمال فشار بر انقلاب ایران قرار داده‌اند. دلایل، مدل و اسباب این سیاست چیز‌های دیگری است و «گرو-کانکری» بهانه. بدینه است که هیچ عاقلی کوک این را مخورد که آزادی «گرو-کانکه» فی نسخه برای امیر یا لیسم آمریکا، که صدها هزار آمریکائی را در جنگ ویتنام قربانی مطابع خود کرده‌است، مسئله‌ای جدی باشد.

بنابراین، ما چه ببهانه پذیریم و چه ندهیم، امیر  
پالیستهای آمریکائی برای اعمال فشار بر ما همیشه  
بهانه خواهند یافت. از این نظر «گروگانهای» چیزی جز  
یک بهانه نیستند. اما امیر پالیستهای آمریکائی امید  
دارند که با آزادی «گروگانهای» بتوانند نخستین گام را  
در راه اعاده روابط سابق با ایران بردارند و راه را  
برای پوساندن انقلاب از داخل هموار کنند، یا عبارت  
دیگر، زمینه مساعد داخلی را برای رساندن لیبرالها  
(تبی سادات) به حکومت فراموشاند. و در اینجاست  
که میکوشیم، آزادی «گروگانهای» برای طرفداران فردیکی  
به آمریکا و بیرون خط بزرگسکی نیز یک بهانه  
است. آنها بخوبی میدانند که مشکلات اقتصادی و  
سیاسی ما بیچوجه ارتاطی با «گروگانکیری» ندارد.  
آمریکائیها قبل از «گروگانکیری» ناوارکان عظیم خودرا  
بخیلی فارس فرستاده بودند، قبل از «گروگانکیری»، با  
عوامل خود در داخل ایران بر ضد انقلاب ایران توطئه  
میکردند و توطئه‌های پی در پی آنان بر ضد انقلاب ایران  
در ظرف چند ماه اخیر نیز بخوبی ثابت داد که این  
توطئه‌ها هیچ ربطی با «گروگانکیری» ندارد. اینها همه  
آنلر من ساخته است. اما آنها اصرار کنند که  
«گروگانهای» آزاد شوند، زیرا میخواهند راه را برای  
کشتش روابط اقتصادی و سیاسی و نظامی با آمریکا  
باز کنند. مقصود آنها ایست و آزادی «گروگانهای»  
بهانه. این دو بهانه در حقیقت پشت و روی یاکشکه‌اند.  
اما راه حل مسئله «گروگانهای» را اعلام خوشی به  
رای مجلس محلی کرده‌اند و ما امیدواریم که مجلس  
بتواند تضمیم مقتضی در این باره اتخاذ کند. بنظر ما  
این تضمیم هنگامی میتواند باسخوکی منانع انقلاب  
ایران باشد که باسل مسئله ببردارد نه به بهانه، و  
اصل مسئله ایست که: جمهوری اسلامی ایران بدون  
قطع لفود امیر پالیسیم، برگردگی امیر پالیسیم آمریکا  
و بدون بربدیدن ریشه سرمایه‌های اولیه و باسته و بزرگ—  
مالکی که خواستار این نفوذند، نیتواند به حیات خود  
و رسالت انقلابی خود ادامه دهد.

در ارتباط با «گروگانکیری» به در مسئله دیگر نیز اشاره میکند: یکی عوارض چنگ فرسایندهای که آمریکا از طریق توکریش «بیت عراق» علیه ایران ایجاد کرده و دیگری «متزوی ساختن ایران در صحنه گشته»، از چنین میتوسد:

«سیاست آمریکا از لحاظ داخلی در انسجام خود بالاداره کوفی از مسئله گروگانها استناده کرده است. بدین معنی که ملتی که وجوه اختلاف زیادی در چنان هایش بود، بر سر این مسئله در مقابل ما متوجه شدند و تو استند با تبلیغات وسیعی که برای ازادخواست، ما را به یک معنی در صحنه گذشتی منزوی سازند». (توجه کنید که در اینجا نظریه قبلی نفس و اختلاف بین جناحیاء یعنی احزاب دموکرات و جمهوریخواه، با تحداد در مقابل ما تبدیل شد)

در مورد عراق، البته مقصود نویسنده نامه اینست که آمریکا در اثر «گروگانکنی» بخشش آمده و «نوگررش بعث عراق» را بدچنگ علیه ایران پرانگیخته است. این تحلیل بسیار سطحی نمیتواند انگینه‌های دولت ضدخلیق عراق را در چنگ علیه ایران توضیح دهد. سیاست ماجراجویانه دولت بعث عراق تسبیت به انقلاب ایران ریشه‌های عیوبتری دارد، که آن را در مقابله دیگری توضیح خواهیم داد.

اما در مورد «منزوی» شدن انقلاب ایران «در صحنه گذشتی»، متأسفانه «ساخته گذشتی» در چشم آفای قطب زاده چنان تنک است که جز دنیای سرمایه‌داری را درین نمیکنید.

انقلاب ایران بیروجوه مژوی نیست. تمام کشورهای سوسیالیستی با تبریز عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی خود پشتیبان انقلاب ایرانند. در جریان کشورهای «دینای سوم»، ایران دوستان زیبادی دارد. در آسیا، کشور بزرگی چون هند پشتیبان انقلاب ایران است. در قاره افریقا چنین کشورهای نظری مصر و مغرب، همه از انقلاب ایران پشتیبانی میکنند. کشورهای چون سوریه، لیبی، الجزایر، یمن دموکراتیک و خلق عرب فلسطین هواهاران انتخاب ایرانند. در آمریکای لاتین، از کوبای سوسیالیستی که بکذربیه، نیکاراگوئه انقلابی و همه خلقيات اين قاره نيز دوست انقلاب ایرانند. سخن دیگر، دانکونه که جهان بدون قطب توقي

و انقلاب از پیکو و ارتقای و خداخواه از سوی دیگر تقسیم شده است، بنابراین با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز در قطبیات مخالف یا یکدیگر متفاوت بوده و هست. آری، ما در یک قلب جهان یعنی جهان امیریالیست - منزوی شده‌ایم، اما در قلب دیگران، یعنی جهان ضدامیریالیست - دوستان وفادار و یاران صمیمی بسیاری یافته‌ایم. روزنامه‌های کشورهای سوسیالیست را ورق بزنید، بدینید که با چه احساسات کرمی از انقلاب ایران سخن می‌گویند. این دروغ ناجوانمردانه ایست که کسی بنویسد، اتحاد شوروی می‌خواهد انقلاب ایران را منزوی کند و «در حدائق کمک به حل مشکلات صفتی سیاسی ما فضایله می‌کند». کسانی که با تمام نیروی خود به پیروی از رهنمود برزیشکی در راه «منزوی ساختن ایران از اتحاد شوروی رعمندوار سرتگون» گردند رژیم خیانتی «میکوشند و پیوسته در راه توسعه روابط ایران و اتحاد شوروی سنتک می‌اندازند و اشکارا تلاش می‌کنند که این روابط تا آن حد که ممکنست به تیرکی گراید، در تبران نشته‌اند، به در سکو، اتحاد شوروی هیچ نفع در منزوی ساختن انقلاب ایران ندارد. اما پیروان خط برزیشکی در منزوی ساختن انقلاب ایران از اتحاد شوروی نفع دارند. آری، کسانی که خصومت با دنیای سوسیالیسم چشم پیشیت آنان را کور کرده است، علاوه همان سیاست برزیشکی را دنیال می‌کنند.

امروز که دیکتاتوری نظامی در ترکیه بحکومت رسید و رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاعالحق، پاکستان را به سربل تدارک حمله به ایران تبدیل کرده و هر دو دیکتاتور برای هم «صمیمانه» پیام میفرستند، کسانی که در تهران نشسته اند و اعدا میکنند که اتحاد شوروی میخواهد در روابط این کشورهای «دست» با ایران تقویتی کرده ایران را متزوی سازد، اگر کوچکترین صداقتی در آنها وجود داشته باشد، باید لاقل اعتراض کنند که از درک مسائل سیاسی ایران پس از انقلاب عاجز ند.

اویله و قلعات یدگشی از آمریکا از میان نبرد و حتی  
صدها میلیون دلار عواید میبود به خود و خانواده  
گروگانیه را، که در دادگاهیان آمریکا طرح شده  
است، بین داشدا

آیا توقیف اموال و دارائی دولتیاب انتلابی در آمرینکا برای نخستین بار صورت میکشد و آیا نتیجه «گروگانکری» ای بوده است؟ آیا حاضره اقتصادی دولتیاب انتلابی بوسیله آمریکا نتیجه «گروگانکری» بوده است؟ کدام انتقلاب خدمامپریالیست در چنان زمینه داده است که امیریالیستیاب آمریکایی آنرا با تنوع طرق، از جمله توقیف اموال و محاسن اقتصادی زیر نشاند؟ قرار نداده اند؟ مکر کوبای انتلابی «گروگانکری» کرده بود که اموالش را توقیف کرده و هنوز هم آنرا در محاسن اقتصادی گرفته اند؟ مکر جمهوری خلق چین، تا زمانیکه سرانش به انتقلاب خیانت نکرده بودند، در معرض محاسن اقتصادی آمریکا قرار نداشت؟

مکر شیلی الیندہ «گرو گانگیری» کر دے بودہ  
سیاست آمریکا درقباً اتفاقاً لایلابهای ضدامریکائیلیستی  
و خلائق روشن است: سر کوب و یا منحرف کر دن انقلاب  
با دیسیه و توطئه پدست عوامل خود (نمونه شیلی و  
نمونه مصر)۔

جمهوری اسلامی ایران، تا زمانیکه چون آتشفتانی  
انقلابی می توقد، زیر ضربه امیریالیسم، پرس کردگی

امیریا یلیم امریکا قرار خواهد داشت. آزادی «گرو کانای»  
فی نفسم در بر خود امیریا یلیم با انقلاب ایران تائیز  
نخواهد گذاشت، مگر اینکه این عمل، چنانکه آقایان  
لیبرالها و پیروان خط برزیشکی آزو زندند،قدمه‌ای  
برای تجدید روابط دیرین دوستانه با امریکا باشد،  
که در این تجدید روابط، ما باید از مواضع انقلابی  
خود عقب نشینی کنیم؛ زیرا امیریا یلیم، چنانکه خود  
آقای قطبزاده نیز معتقد است، «همان سیستم حکومتی  
آمریکاست»، و تا وقتی که این سیستم تغییر نکرده  
است، انتظار تغییر در مناسبات آن با ما نیز ممکن نیست.  
مگر دیگر از «استدلالات» آقای قطبزاده آنست

یقین داشتند که این انتخابات باید مسئله «گروگانها» را قبل از انتخابات آمریکا حل کنیم و نکذاریم که جمهوریخواهان، با استفاده از جو تبلیغاتی پیش امون مسئله گروگانکری، در انتخابات دریاست جمهور آمریکا پیروز شوند، زیرا «میان دموکراتها و جمهوریخواهان در روش و شدت و ضعف عملکرد استعماری آنها در رابطه با خلقهای جهان فرق» وجود دارد و بنابراین از نظر مصالح ایران بیش است که حزب دموکرات آمریکا در انتخابات پیروز شود.

نظری به فبرست و قاییعی که در تاریخ آمریکا، هنگام زمامداری این دو حزب روی داده است، ثابت میکند که «روش و شدت و ضعف عملکرد استعماری» حکومت‌های حزب دموکرات و حزب جمهوریخواه آمریکا یک عامل دائمی در سیاست این احزاب نیست، بلکه این «شدت و ضعف» بسته به آن است که منافع سیستم امنی‌پالیسی آمریکا بطور کلی و منافع انحصاراتی که غذاء‌دهنده و آفریننده این احزاب هستند، در کجا و به صورت در معرض خطر قرار گیرد. بهترین مثال جنگ ویتنام است، که در دوران زمامداری رودوجزب ادامه داشت. نمیتوان گفت که حکومت کارتر در صورتی که معاشر حزب دموکرات، انتخابات را

از پوپولر نوب دموکرات در انتخابات پیروز شد و سود ملکر کرد استعماری خود» نسبت به ایران روشی فرمود از حکومت ریکان در پیش خواهد گرفت. زیرا این همان کارتر و حزب دموکرات اوتست که تا آخرین لحظه از رزیقه شاه سابق حمایت کردند. این همان کارتر و حزب دموکرات اوتست که در عرض یکسال و نیم پس از انقلاب اینهمه توطئه‌علیه انتقام‌بر و جمهوری اسلامی ایران کرده‌اند و میکنند. اینهمه مشکلات اقتصادی و سیاسی را که آفای قطبزاده نام میریند، همین حکومت کارتر برای ما فراهم ساخته است. «شدت و ضعف عملکرد استعماری» حکومتهای حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه بسته به تمایل و خواسته‌ای ذهنی این احزاب نیست، بلکه بسته به «شدت و ضعف» امکانات و نیروهاییست که حکومت آمریکا در زمان و مکان معین در اختیار دارد. در مرور ایران، «عملکرد استعماری» این دو حزب نمی‌تواند فرق بینیادی داشته باشد، برای آنکه انقلاب ایران منافع امپریالیسم آمریکا را - که این هر دو حزب نماینده آن هستند - بخutar انداخته است.

نامه آفای صادق قطبزاده به مجله شورای اسلامی برای آزادی «گروگانهای جاسوسی آمریکائی» پار دیگر تلاش بیرون خود بروزنسکی را برای هموار ساختن راه سازش با آمریکا، با وضوح تمام - و الله جنانکه رسم آفای قطبزاده

است، با دشتم و اتمام به مخالفان خود بریزی-سکی،  
یعنی مخالفان شیطان بزرگ آمریکا، دشمن  
اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - آشکار  
می‌ازد.

بین روز و روز در این موسیقی، میتوسیم یاد آور شویم که ضرب الاجل - و درواقعه اولیه‌اتومی که آقای قطبزاده در نامه خود داده، مبنی بر اینکه اگر تا یکماه دیگر شرایط آزادی «گروگانی» بررسی شود، فرصت مناسب از دست خواهد رفت، و آنوقت آسمان به زمین خواهد آمد، سپری شده، ولی آبهم از آب تکان نخورد است! (در نامه آقای قطبزاده بتأریخ ۳/۷ مرداد ۹۵) «شفته شده که آینه موقوفیت مناسب فقط در يك ماه آینده وجود دارد.»

اما معروف است که، هنگامیکه لشکرکاران مغول  
 بغداد وارد شدند و آخرین خلیفه عباسی را ایسین  
 رتدند، برخی از «بزرگان»، که میخواستند جان خلیفه  
 نجات دهند، هلاکو خان را میتسانیدند که اگر خون  
 ایله مسلمین بزمین ریخته شود، آسمان به زمین  
 واحد آمد. خواجه نصیرالدین، که وزیر هلاکو بود،  
 رای غلبه بر تردید خان تدبیری اندیشید و گفت:

خواهیم پیچید و روی زمین خواهیم  
لادن و بر آسمان نظاره خواهیم کرد و همینکه کوچکت  
بین عالمتی از فرود آسمان دیده شد، دست برخواهیم  
شست! آخرین نفس خلیفه برآمد و آسمان فرود نیامد  
امروز خلق‌های ستمدیده جهان و خلق قیرمان  
امپریالیسم آمریکا، این مدعی خلافت بر سراسر  
جهان را در نمذ پیچیده‌اند و بتدریج جانش را پیکر نند  
گسانی نیز در کنار ایستاده، مردم را از فرود آمدن  
سمان می‌ترسانند، اما دست توافانی خلق از حرکت  
می‌ایستد و تا جان این جانور وحشی را نکیرد، آرام  
پیکرید و به «توصیه»‌های فرشت‌طلبان و دوستداران و  
ستیاران خلیفه نیز وقی نیکندازد.

نامه افای طبزاره بیز شرحی از خطر فرود آمدن  
سماان است. بینید خود باختکن در برابر امیرالیسم  
من یکا باید تا چه پایه باشد که کسی بتواند چنین  
مله‌ای را بر زبان قلم جاری کرده بنویسد:

«عدم حل مسئله گروگانگیری عملاً از همان  
ل دولت جدید (دولت رجایی) را در زیر بار مشکلات  
ذافونی قرار خواهد داد که حتی احتمال موقفيت او  
هم از بین خواهد برد. و این جوانمردانه نیست که  
لتی را انتخاب کنیم و دست و بالش را چنان بسته  
که اداریم (آنچنان که در گذشته هم گردیدم) که بخصوص  
این موقع حساس خدای نخواسته شکستش را تضمین

بروز آقای قطبزاده، «شکست» دولت وقت در  
برای برنامه‌هاییش نتیجه «گروگانگنیری» بود، و اکنون  
گروگانگنیری، ادامه یابد، دولت جدید هم «شکستش  
نمی‌یند» شده است. چرا؟ زیرا همه مشکلات اقتصادی  
سیاسی ما در دوران پس از انقلاب، بعیقده آقای  
طباطبایی، «فاشی از مسئله گروگانگنیری و ادامه آن  
نمی‌باشد».

مشکلات اقتصادی ما را آقای قطبزاده چنین شرح دهد: هر ۸ میلیارد دلار ما در آمریکا توفیق شده است، ۵۰ میلیون دلار بیرون پولی ما بهدر رفته است کل بودجه جهاد سازاندگی در سال گذشته). ۲۵ میلیارد دلار واردات ایران امیر بایستی های اسکار گر انتر خریداریم، سناایع و کارخانجات ما هم از کبوده مواد اولیه و قطعات ید کی بطور قابل توجهی صدمه ده که خود کاهش عرضه کالا و در تیجه کاهش تولید خلی را موجب شده است. علاوه بر عدم ایجاد فرصت شغلی و در نتیجه افزایش بیکاری، سرسیز قسمت های از بدنهای ایرانی، دعاوی مربوط به خود و نواحی گرد و گاهی، که در دادگاه های آمریکا طرح و نفع بر صدها میلیون دلار میگردد.

می بینید که آقای قطبزاده، نه تنها بپانه امیر- لیستهای آمریکائی را پذیرفته است که آفان بدیل کرو-گانکری، دارائی های ایران را توفیق و ایران را محاصره اقتصادی گرفته اند (که ما مجبور شده ایم دامنه را ۲۵ میلیارد دلار از خودشان گرفت از اینها!) بلکه می خواهد کاهش تولید داخلی ما و ایش شماره بیکاران را از طریق تامین «کمبود مواد

پلنوم کمیته مرکزی حزب گمونیست بلژیک استقرار موسکوای آمریکا را در اروپا محکوم کرد.

در غیر اینصورت مذاکرات برای قطع مسابقات خانمان بر انداز تسلیحات

پختنے میں اقتدار

دیران مورد لازم است حزب کمونیست تمام مساعی خود را بکار ببرد

تاجبیش عمومی علیه استقرار این موشک‌ها در خاک پلزیک تقویت

پنیوم کیته مرکزی حزب کمونیست بلژیک در بروکسل برگزار شد. در این پنیوم مسائل مهم جهانی و اوضاع کشور مورد بررسی قرار گرفت. دبیر کل حزب کمونیست بلژیک در گزارش خود

بیویزه تاکید کرد: در شرایط کوتني جهانی بیویزه این مسئله مهم است که بدلیل علیرغم فشار از سوی آمریکا و ناتو در تصمیم مریوط استقرار موشک‌های آمریکائی در خاک خود موافقت نکند زیرا

# جوان توده‌ای ...

شوحی نیست ۰۰۰!

## اسلام آمریکائی، سوپریالیسم را هم تکفیر می‌کند

همانطور که میدانید، «اسلام آمریکائی» در مقابله با اسلام انقلابی امام خمینی، با عجله و دستاچه به «تکفیر» امام خمینی و اسلام انقلابی ایران پرداخت. تازه‌ترین این تکفیرها تکفیری است که از سوی «فتی» اعظم! مرآتن صورت گرفته است.

و اما جالب است بدانید، که «اسلام آمریکائی» به همین شدت سوپریالیسم را نیز «تکفیر» می‌کند. اخیراً عده‌ای از علماء پرجسته در بنکلاش و پاکستان فتوای‌ای ساده فرموده‌اند وطن آن سوپریالیسم را «کفر»، القاب داده‌اند. البته مطلبی که مسئول نمی‌کنید: چرا این علماء پرجسته! تا حال در این فتوای، برای یکاره‌م که شده، آمریکا را تکفیر نکردنداند!

## آرزوی آقایان!

«آمریکا می‌تواند همه شیرهای شوروی را، که بیش از ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد، مندم کند.» (میزان، ۲۰ شهریور ۵۹)

## طفلکی فرح!

یکی از روزنامه‌های تازه متولد «بامداد»، که بنا به این مرضیه گرداند «کافش، اوضاع و احوالش را با نظریات بریشکی «میزان» می‌کند، نصف صفحه بزرگ روزنامه خود را اختصاص داده است به مصاحبه با فرح! این مصاحبه که بعد از غم‌انگیزی در جامه سیاه، از «شبایونوی آئنهای مزین است که هنوز هر چیز را از دل و افکار اشتناه، تمامی به شرح زندگی «رققتانکی» فرح اخلاقی دارد و خانم بزرگوار، که در چندماه آخر سلطنت شاه چنان، در همه کشته‌ها در ایران دست داشته، درحالیکه با «صدای گرفته و ضعیفی» حرف می‌زند، از «مسائل و حشناک» و «مشکلات بی‌پایان»، از «خُم‌هایی که برداشت» از «شوهای وحشناک» می‌کوید، و بعدم خودش را به کوچه‌ی علی چب می‌زند که، از سواک و جنایات آن روحش بی‌خبر بوده است! خلاصه این اقدار این سخنان در دنیا، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!»

مطلوبی که در زیر می‌خوانید، نامه یکی از اعضاء «سازمان جوانان توده ایران» است. رفیق جوان ما بعد از پیوست «سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران» به صفویه‌بارزین «سازمان آورده است. نامه را بخوانیم، که خود گویای همه‌ی جز است: «سلام؛

آنچه می‌گوییم، همه آن چیزی نیست که می‌خواهیم؛ رفقا! بغضی بزرگ، آمیخته با خوشی، غرورآلوده و افتخاربرانگیز که می‌گذارد همینطور اشکشوت، چشمایران‌ابوسازاند، راه گلوبیم را گرفت! مثل وقتی که اولین بار پرواز «نوید» را در هوای بارانی و سرد اجتماع «شبای شعر» شعر «دیدم»؛

مثل وقتی که اولین بار در راهیمی‌ای عظیم و پریست «عیدفتر» شعار «پرادر، پایخین، برادر کشته شد، را خواندم.

مثل وقتی که اولین بار قطار فشنگ را به سربازی که پشت مسلسل سنگیش نشسته بود و دیوار «کیتی» را نشانه می‌رفت، رسانند؛

مثل وقتی که اولین بار سرمه پرشکو و پستجیده «حرب» را زیر سقف سالان ورزش دانشگاه صنعتی، بی خوف و هم‌شندید؛ رفقا!

ما را و مرآ از تبار پاگدایان دانسته‌اند، از سالانه وارتان، که پیروزی امروز انقلابیان در گرو جانهای پاکشان است؛

که در پیکار خوین و بی‌امان با استعمار و استبداد، جانهای، به رسائی قامشان ایستادند؛

که در نبرد مرگ و زندگی، مرگ را پذیرا شدند، تا مردم شریف و قهرمان می‌پنهان آزاد زیند و خود رها از بند دست و پاگیر «وابستگیها» سرنوشت خود را رقم زند.

این را همه کس می‌داند که «توده‌ای» بودن چه دشوار است؛ رفقا!

ما را و مرآ به سازمان جوانان حزب سترگ سلسه‌شوران از جان گذشت و سرایانه، حزب ایرمندان مبارزه داشت، پایداری و فداکاری،

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران شده‌اید، به سازمان

جهانی حزبی که صفحه‌صفحة تاریخ حساسه‌آفرین و خوینشنا را با رفع و درد

قرنها شکنجه و زندان و تبعید و داغ خوینی صدها تیرباران نوشته‌اند.

«وهیچی است زیستن» رفقا! و دوشادوش کارگران و زحمکشان و روشنکران «حزب توده ایران» زمیند!

آنچه گفته همه آنچیز نبود که می‌خواستم، رفقا!

- وقت تکاست، «مردم» را باید به مردم برسانم! این را و

همه آنچه را که انجام می‌دهم، کوششی است برای آغاز انجام، وظیفه‌ای

است که «جزب» بعده‌ام گذاشته؛ وظیفه‌ای. سترگ که نبرد با

امیریالیسم، سرکردگی امیریالیسم آمریکا و دفع از انقلاب و «جمهوری

اسلامی ایران» از اولین آنست.

زندگه باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!»

دستگیر شدند که می‌خواستند شاه را از پادشاهی خارج کنند، بهینه‌ی علت

و ظالمی روزیهای وابسته به امریکا و تقویت مواضع سیاسی و نظامی - اقتصادی امیریالیسم خود امیدوار پیشازد.

اما با کمال خاشق و تعجب امریکا و حلقاتی از زنجیره مسولان و وزارت امور خارجه محصوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و زیرا مردم عضو چبه پایداری در منطقه خاورنزدیک و میانه است. مسافت موافقین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و برگم اظهارات مردمی و اشتکان و دیدار وی با کارتر امام خمینی‌هی انقلاب‌وبنیانکاران تردید با همین طرحیای اسلامی در پاکستان را اخراج

و ظالمی آمریکا واجه از توطه‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران کردند، و جمهوری دمکراتیک افغانستان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با این رژیم کردند. در

حالیکه همه سازمانها و گروههای انقلابی و متعهد نسبت به منافع اتفاقی، که ترازوی خویش را با خط بسریشکی «میزان» می‌کند، میرسد و خیلی نهادند.

این خط دستگاه افغانستان را از زبانهای امداد می‌شود، در خارج دخیمان آمده همچنانکه باریکه، ایلیکر نشان میدهد که رهبر انقلاب‌وبنیانکاران

جمهوری اسلامی ایران چگونه دشمن اصلی خلق‌های ایران وابسته می‌شند، آن را بیاپی رسوا می‌کند و مردم مظلوم جهان را به اتحاد علیه آن میخواهد.

همه دوستان انقلاب‌وبنیانکاران این خط هستند. همه پیاران و فاداران انقلاب ایران قرار دارند، که از نیووهای فدائیان رهبری پیشکو و سیا آغاز

می‌شود، در خارج دخیمان آمده همچنانکه باریکه، ایلیکر نشان میدهد که رهبر انقلاب‌وبنیانکاران

جمهوری اسلامی ایران چگونه دشمن اصلی خلق‌های ایران وابسته می‌شند، آن را بیاپی رسوا می‌کند و مردم مظلوم جهان را به اتحاد علیه آن میخواهد.

همه دوستان انقلاب‌وبنیانکاران این خط هستند. همه پیاران و فاداران انقلاب ایران چه مسلمان، چه پیرو سوپریالیسم علیه در همین مسیر می‌روند و در همین

## رفقای توده‌ای ما را در گردستان آزاد کنید

مدتی است که دونفر از رفقای را خواستاری، شیخی، را بدین دلیل، در گردستان دستیگر کردند. طبق اخبار اسلامی اتفاقات و مدافعان فداکار جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. هفتاد و ده ساله این دادگاه دشمنانه با دوست سزاوار دادگاه اتفاق اسلامی ایران می‌باشد. ما به این عمل خلاف عدالت و نیست.

## شناخت دشمن

باقی از صفحه ۱

ایران بر عملکرد خوبین امیریالیسم چنایتیشه و غارنگر آمریکا بر ایران استوار است. در واقع امام

شیخی حرث ۳۶ میلیون ایرانی را بازی‌گردید که پل ریبع قرن در کارخانه، در منزه، در مدرسه، در خیابان، در سفره‌های خالی،

در سلول‌های زندان، در آثاری شنید، در تیغه‌هایی خود و در همه و

همه‌گردگانی که ایران را گرداند، و استخوان خود لس کردند.

این تجربه تاریخی، که به مقیاس جهان تحت ستم امیریالیسم وسعت دارد، در آخرین پیام امام خمینی بروشی تمام‌نمک است:

«آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خوبی بر جهان زیرسلطه از هیچ جنایت خودداری نمی‌نماید. او

مردم مظلوم جهان را باتلیفات وسیع، که بوسیله صیوبیسم این‌العلی سازماندهی می‌گردد، استشاره می‌نماید، او ایجاد

حقوق با حفظ منافع کامل ایران باشند. آخرین لحظه برای نابودی آنست.

در مقابل خط امام، دشمن رنگارنگ انقلاب ایران قرار دارند، که از نیووهای فدائیان رهبری پیشکو و سیا آغاز

می‌شود، در خارج دخیمان آمده همچنانکه باریکه، ایلیکر نشان میدهد که رهبر انقلاب‌وبنیانکاران

جمهوری اسلامی ایران چگونه دشمن اصلی خلق‌های ایران وابسته می‌شند، آن را بیاپی رسوا می‌کند، که گولی

شیخیکش جز او و اقرارش حق حیات ندارد...»

این سخنان باریکه نشان میدهد که رهبر انقلاب‌وبنیانکاران

جمهوری اسلامی ایران چگونه دشمن اصلی خلق‌های ایران وابسته می‌شند، آن را بیاپی رسوا می‌کند و مردم مظلوم جهان را به اتحاد علیه آن میخواهد.

همه دوستان انقلاب‌وبنیانکاران این خط هستند. همه پیاران و فاداران انقلاب ایران چه مسلمان، چه پیرو سوپریالیسم علیه در همین مسیر می‌روند و در همین

نامه هرگز

از کان مرکزی حزب توده ایران

دارندۀ امتیاز

و مدیر مستول:

منوچهر بیزادری

خیابان ۱۶ آذر شماره ۱۸۱

(دفتر نامه «مردم»

هنوز در اختیار

نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 335

17 September 1980

Price:

West-Germany 0.80 DM

France 2 Fr.

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 Fr.

Italy 350 L.

U.S.A. 40 Cts

Sweden 1.50 Skr.

## توضیح

در مقاله «کارزار دروغ و بیتان» علیه حزب توده ایران رامتوقد کنید، مندرج در شماره ۳۲۲ نامه «مردم»، آقای محمد قلی طاهرزادگان، هوادار حزب توده ایران اعلام شده بود که درست نیست و منوچهر طاهرزادگان (برادر وی)، هوادار حزب توده ایران است. همچنین لازم به تذکر است که صاحب انشارات نویا (دواود حسینی زادگان)، هوادار حزب توده ایران است.

**برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظمی مجهز شود**